

نیايش های ماه اول - هفته چهارم

فهرست

- ۱ روز بیست و دوم : علل جواب ندادن خدا به برخی از دعاها
- ۲ روز بیست و سوم : نقشه های من یا نقشه های خدا ؟
- ۳ روز بیست و چهارم : بیداری و دعا
- ۴ روز بیست و پنجم : دعا برای کلیسا
- ۶ روز بیست و ششم : دعا برای کلیسا
- ۷ روز بیست و هفتم : دعا برای دیگران
- ۱۰ روز بیست و هشتم : دعا برای خادمین خداوند

روز بیست و دوم : علل جواب ندادن خدا به برخی از دعاها

« چون خواندم جواب ندادید و چون سخن گفتم ، نشنیدید و آنچه را که در نظر من ناپسند بود به عمل آورید و آنچه را که نخواستم ، برگزیدید . » (اشعیا ۶۵: ۱۲)

آیا در زندگی ما ، اوقاتی وجود دارند که بدون جوابگویی به ندای خداوند ، خود به دنبال خواسته های دلمان رفته باشیم ؟ اگر چنین است ، الان می باید با دلی توبه کار به حضور خداوند بیائیم ، زیرا که آنچه خواست خداوند نیست ، در زندگی ما اتفاق افتاده است ، چنانکه در کتاب اشعیا نبی در باب آیات ۱ و ۲ می گوید :

« هان دست خداوند کوتاه نیست تا نرهاند و گوش او سنگین نی تا نشنود ، لیکن خطای ای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود . »

اکنون اگر موردی در زندگی ما وجود دارد که احساس می کنیم خداوند در برابر تضرعات ما چون دیواری ساکت است ، شاید در روابطمان با او چیزی رخنه کرده است که منظور نظر وی نیست ، زیرا خداوند می پسندد که هیچ رخنه و خروج ناله ای در زندگی ما رخ ندهد ، زیرا او یهوه خدای ماست . در یک رابطه بازسازی شده در خداوند است که از آنچه که او به عنوان پدر برای ما در هر موردی در نظر گرفته است ، خشنود خواهیم بود ، چنانکه می گوید : « از آنچه من خواهم آفرید ، شادی کنید . » (اشعیا ۶۵: ۱۸)

و در این صورت خواهد بود که او به ما وعده می دهد : « قبل از آنکه بخوانند من جواب خواهم داد ، و پیش از آنکه سخن گویند ، من خواهم شنید . » (اشعیا ۶۵: ۲۴)

موضوع دعا :

- برای اصلاح رابطه شخصی خود با خدا ، دعا کنیم .

روز بیست و سوم : نقشه های من یا نقشه های خدا ؟

اشعیاء نبی ۵۵: ۶ - ۱۳ که در زیر آمده است را بخوانید :

اعشیا باب ۱۳-۶:۵۵

۶ خداوند را مادامی که یافت میشود بطلبید و مادامی که تردیک
است او را بخوانید. ۷ شریر راه خود را و گناهکار افکار خویش را
ترک نماید و بسوی خداوند بازگشت کند و بر وی رحمت خواهد
نمود و بسوی خدای ما که مغفرت عظیم خواهد کرد. ۸ زیرا
خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریقهای شما
طریقهای من نی . ۹ زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است
همچنان طریقهای من از طریقهای شما و افکار من از افکار شما
بلندتر می باشد. ۱۰ و چنانکه باران و برف از آسمان می بارد و
به آنجا بر نمی گردد بلکه زمین را سیراب کرده ، آن را بارور و
جادوگرانی که متقطع نشود خواهد بود.

امروز می توانیم از خود بپرسیم که تا چه حد خداوند در زندگی ما مقدم بر هر چیز است ؟ اگر او ابتدا و نوبت و مقدم هر چیز در زندگی ما نباشد ، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که ما را به یک زندگی با او همانند یک عهد باشد ، عهدی که نیمی از آن انسان و نیمی دیگر از آن خدادست .

از آنجا که می دانیم خداوند امین است ، پس جانب عهد او همیشه استوار و ثابت است ، ولی این انسان که برکت و یا لعنت را برای زندگی خویش بر می گزیند . می توانیم امروز پرسشها ی را از خود بپرسیم که تنها و تنها پاسخ آنها در نزد خودمان وجود دارد . - نقشه های من چقدر بر نقشه های خداوند مقدم تر است ؟

- نقشه های من به چه اندازه بر نقشه های خداوند مزیت دارند ؟

- نقشه های من چقدر از نقشه های خداوند ارزشمند تر هستند ؟

- به چه اندازه در راه بجا آوردن نقشه های خودم ، نقشه های خداوند را پس زده ام ؟

- به چه اندازه هر روز نقشه های خداوند را برای روز از دست داده ام ؟

اکنون که در قلب خود به این سؤالات پاسخ گفته ایم ، جا دارد که در قلب خود نیز از این گناهان بازگشت نمائیم و نفس خود را انکار کیم و سروری عیسی را بر قلب خود بپذیریم .

روز بیست و چهارم: بیداری و دعا

«بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتیید، روح راغب است لیکن جسم ناتوان» (متی ۲۶: ۴۱) همیشه بیداری ایماندار و بالطبع بیداری کلیسا، در نتیجه دعاست. عیسی مسیح چند بار در جاهای مختلف، بیداری را به همراه دعا توصیف کرده است. ایماندارانی که مایلند در معرض وسوسه‌ها و تجربه‌های شیطان، قرار نگیرند می‌باید که «بیدار باشند و دعا کنند» این حکم مهم از جانب عیسی مسیح است. در جمله‌ای که عیسی در خصوص دعا در شب آخر در باغ جتسبیمانی به شاگردانش می‌گوید، نکات مهمی نهفته است. بیداری از دو نظر در این آیه مودر نظر است:

«بیداری جسمانی و بیداری روحانی»

برای دریافت برکات روحانی خداوند، می‌باید یاد بگیریم که چگونه جسم ناتوان خود را در انتظام و دیسیپلین روحانی قرار دهیم و به تنبیها و تن پروریهای جسم خود، «نه» بگوییم. شاید جسم ما مایل نیست که صبح زود برخیزد و با خداوند، در رازگاه داشته باشد. شاید جسم ما مایل است در ساعات فراغت که می‌توان آنها را به دعا و امور روحانی تخصیص داد، به امور دیگری پردازد که شاید تنها وقت گذرانی است. این حقیقتی است که عیسی مسیح می‌خواهد ما را با آن رو برو کند. اگر بر تنبیهای جسمانی خود غالب نیائیم، بیدار نیستیم زیرا که شخص بیدار، شخصی روحانی است که تمام اوقات خود را مانند یک غلام حلقه به گوش به خداوند و ارباب خود سپرده است. عیسی مسیح می‌گوید که می‌باید همیشه دعا کرد و کاهله نورزید.

نکته مهم دیگر غلبه بر احساسات و خواسته‌هایی است که جسمانی هستند. ما می‌باید خیلی محکم واستوار، در بسیاری از موارد برای از میان برداشتن عادات بد و جایگزین کردن عادات خوب به خود ریاضت بدهیم، به قول پولس رسول می‌باید تن خود را در بندگی بداریم تا مبادا از برکتی که در طول حیات جسمانی ما بر روی زمین برایمان فراهم آمده است، محروم و بی نصیب بمانیم.

هنگامی که بر جسم غلبه یافتیم و خواسته‌های روح راغب به خدا را به جا آوردمیم، سر آغاز بیداری روحانی ماست که بوسیله دعا به اوج خود می‌رسد. عیسی مسیح می‌گوید:

«پس در هر وقت دعا کرده، بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست، نجات یابید و در حضور پسر انسان باشید.» (انجیل لوقا ۲۱: ۳۶)

موضوع تفکر در دعا:

- برای بیداری روحانی خودمان و بیداری کلیسای عیسی مسیح دعا کنیم -

روز بیست و پنجم: دعا برای کلیسا

کتاب دوم تواریخ ۶ : ۲۷ که در زیر آمده است را بخوانید :

۲۷-۱: دوم تواریخ

داود آن وعده را نگاه دار که به او داده و گفته ای که به حضور من کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند برای تو منقطع نخواهد شد، به شرطی که پسراحت طریقه ای خود را نگاه داشته، به شریعت من سلوک نمایند چنانکه تو به حضور من رفتار نمودی.^{۱۷} و الان ای یهوه خدای اسرائیل کلامی که به بنده خود داد گفته ای ثابت بشود. » اما آیا خدا فی الحقيقة در میان آدمیان بر زمین ساکن خواهد شد؟ اینک فلک و فلک الافلاک تورا گنجایش ندارد تا چه رسد به این خانه ای که بنا کردم.^{۱۹} لیکن ای یهوه خدای من به دعا و تضرع بنده خود توجه نما و استغاثه و دعا عیی را که بنده ات به حضور تو می کند اجابت فرما،^{۲۰} تا آنکه شب و روز چشمان تو بر این خانه باز شود و بر مکانی که درباره اش وعده داده ای که اسم خود را در آنجا قرار خواهی داد تا دعا عیی را که بنده ات به سوی این مکان بنماید اجابت کنید،^{۲۱} و تضرع بنده ات و قوم خود اسرائیل را که به سوی این مکان دعا می نمایند، استماع نما و از آسمان مکان سکونت خود بشنو؛ و چون شنیدی عفو فرما. اگر کسی با همسایه خود گناه ورزد و قسم بر او عرضه شود که بخورد و چوب تو بیرون آید او خانه را برای اسم من بنا خواهد کرد.^{۲۲} آنگاه از او آمده، پیش مذبح تو در این خانه قسم خورد،^{۲۳} آنگاه از آسمان بشنو و عمل نموده، به جهت بندگان داوری کن و شریران را جزا داده، طریق ایشان را بسرا یشان برسان، و عادلان را عادل شمرده، ایشان را به حسب عدالت ایشان جزا بده.

^{۲۴} « و هنگامی که قوم تو اسرائیل به سبب گناهانی که به تو ورزیده باشند، به حضور دشمنان خود مغلوب شوند، اگر به سوی تو بازگشت نموده، به اسم تو اعتراف نمایند و نزد تو در این خانه دعا و تضرع کنند،^{۲۵} آنگاه از آسمان بشنو و گناه قوم خود اسرائیل را بیامز و ایشان را به زمینی که به ایشان و به پدران ایشان داده ای بازآور. »^{۲۶} « هنگامی که آسمان بسته شود و به سبب گناهانی که به تو ورزیده باشند باران نبارد، اگر به سوی این مکان دعا کنند و به اسم تو اعتراف نمایند و به سبب مصیبتی که به ایشان رسانیده باشی از گناه خویش بازگشت کنند،^{۲۷} آنگاه از آسمان بشنو و گناه بندگان و قوم خود اسرائیل را بیامز و راه نیکورا که در آن باید رفت به ایشان تعليم بده، و به زمین خود که آن را به قوم خویش برای میراث بخشیدهای باران بفرست. »

۱ آنگاه سلیمان گفت: « خداوند فرموده است که در تاریکی غلیظ ساکن می شوم.^۲ اما من خانه ای برای سکونت تو و مکانی را که تا به ابد ساکن شوی بنا نموده ام ».^۳ پادشاه روی خود را برگردانید، تمامی جماعت اسرائیل را برکت داد، و تمامی جماعت اسرائیل بايستادند.^۴ پس گفت: یهوه خدای اسرائیل متبارک باد که به دهان خود به پدرم داود وعده داده، و به دست خود آن را به جا آورده، گفت:^۵ از روزی که قوم خود را از زمین مصر بیرون آوردم شهری از جمیع اسپاط اسرائیل برنگریدم تا خانه ای بنا نمایم که اسم من در آن باشد، و کسی را برنگریدم تا پیشوای قوم من اسرائیل بشود.^۶ اما اورشیم را برگزیدم تا اسم من در آنجا باشد و داود را انتخاب نمودم تا پیشوای قوم من اسرائیل بشود.^۷ و در دل پدرم داود بود که خانه ای برای اسم یهوه خدای اسرائیل بنا نماید.^۸ اما خداوند به پدرم داود گفت: چون در دل تو بود که خانه ای برای اسم من بنا نمای نیکو کردی که این را در دل خود نهادی.^۹ لیکن تو خانه را بنا نخواهی نمود، بلکه پسر تو که از صلب تو بیرون آید او خانه را برای اسم من بنا خواهد کرد.^{۱۰} پس خداوند کلامی را که گفته بود ثابت گردانید و من به جای پدرم داود برخاسته، و بر وفق آنچه خداوند گفته بود بر کرسی اسرائیل نشسته ام و خانه را به اسم یهوه خدای اسرائیل بنا نمودم.^{۱۱} و تابوت را که عهد خداوند که آن را با بني اسرائیل بسته بود در آن می باشد در آنجا گذاشته ام.^{۱۲} و او پیش مذبح خداوند به حضور تمامی جماعت اسرائیل ایستاده، دسته ای خود را برافراشت.^{۱۳} زیرا که سلیمان منبر برنجینی را که طولش پنج ذراع، عرضش پنج ذراع، و بلندی اش سه ذراع بود ساخته، آن را در میان صحنه گذاشت و بر آن ایستاده، به حضور تمامی جماعت اسرائیل زانو زد و دستهای خود را به سوی آسمان برافراشت،^{۱۴} گفت: « ای یهوه خدای اسرائیل! خدایی مثل تو نه در آسمان و نه در زمین می باشد که با بندگان خود که به حضور تو به تمامی دل خویش سلوک می نمایند، عهد و رحمت را نگاه میداری.^{۱۵} و آن وعده ای را که به بنده خود پدرم داود داده ای، نگاه داشته ای زیرا به دهان خود و عده دادی و به دست خود آن را وفا نمودی چنانکه امروز شده است.^{۱۶} پس الان ای یهوه خدای اسرائیل با بنده خود پدرم

امروز به طور مخصوص برای کلیسايی که در آن عضو هستیم و کلام خدا را در آنجا می شنویم و در آن با دیگر ایمانداران مشارکت داریم ، دعا کنیم . باید برای بیداری کلیسايیمان دعا کنیم . همچنانکه سلیمان برای هیکل خداوند دعا کرد . امروز برای کلیساي خداوند که بخشی از آن در کلیساي محلیمان جمع می شوند ، دعا کنیم .

«اما آیا خدا در حقیقت در میان آدمیان بزرگین ساکن خواهد شد ، اینکه فلك و فلك الافلاک ترا گنجایش ندارد تا چه رسد به این خانه ای که بنا کردم ! لیکن ای یهوه خدای من به دعا و تضرع بنده خود توجه نما و استغاثه و دعایی را که بنده ات به حضور تو می کند ، اجابت فرما . تا آنکه شب و روز چشمان تو بر این خانه باز شود و بر مکانی که درباره اش و عده داده ای که اسم خود را در آنجا قرار خواهی داد تا دعایی را که بنده ات به سوی این مکان بنماید ، اجابت کنی و تضرع بنده ات و قوم خود ... را که به سوی این مکان دعا می نمایند ، استماع نما و از آسمان مکان سکونت خود بشنو و چون شنیدی ، عفو فرما . »

جوابی که خداوند به دعای سلیمان داد ، این است :

« و قوم من که به اسم من نامیده شده اند ، متواضع شوند و دعا کرده ، طالب حضور من باشند و از راههای بد خویش بازگشت نمایند ، آنگاه من از آسمان ، اجابت خواهم فرمود و گناهان ایشان را خواهم آمرزید و زمین ایشان را شفا خواهم داد ، و از این به بعد چشمان من گشاده و گوشهای من به دعایی که در این مکان کرده شود ، شنوا خواهد بود و حال این خانه را اختیار کرده و تقدیس نموده ام که اسم من تا به ابد در آن قرار گیرد و چشم و دل من همیشه بر آن باشد و اگر تو به حضور من سلوک نمایی ، چنانکه پدرت داود سلوک نمود و بر حسب هر آنچه ترا امر فرمایم ، نمایی و فرایض و احکام مرا نگاه داری ، آنگاه کرسی سلطنت تو را استوار خواهم ساخت ، چنانکه با پدرت داود عهد بسته ، گفتم : کسی که بر اسرائیل سلطنت نماید از تو منقطع نخواهد شد . »

موضوع های دعا :

- دعا برای بیداری خودمان و سایر اعضای کلیساهاي محلی .
- دعا برای شبان های کلیساهاي محلی و خانواده هایشان .
- دعا برای خادمین کلیساهاي محلی و خانواده هایشان .

روز بیست و ششم: دعا برای کلیسا

« خلاصه ای برادران من در خداوند و در توانایی قوت او زورآور شوید . اسلحه تمام خدا را بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید ، زیرا که ما را کشتنی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاستها و قدرتها و جهان داران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی .

از اینرو اسلحه تمام خدا را بردارید تا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید و همه کار را بجا آورده ، بایستید . پس کمر خود را به راستی بسته و جوش عدالت را در بر کرده ، بایستید و نعلین استعداد انجیل سلامتی را در پا کنید و بر روی این همه سپر ایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیترهای آتشین شریر را خاموش کنید و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست ، بردارید و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام برای همه مقدسین بیدار باشید و برای من نیز تا کلام به من عطا شود تا با گشادگی زبان سر انجیل را به دلیری اعلام نمایم که برای آن در زنجیرها ایلچیگری می کنم تا در آن به دلیری سخن گویم ، به طوری که می باید گفت . » (رساله افسیان ۶ : ۱۰ - ۲۰)

موضوع های دعا :

- با توجه به این آیات ، امروز برای کلیساها یی که در شهرهای دیگر هستند ، دعا کنیم :
- اعضای کلیساها یی آنها بیدار شوند و خداوند روز به روز به ناجیان آنها بیفزاید .
- شبانان کلیساها یی آنها در قوت و پری روح القدس به سربرند و خدمت پر شمر و بی ملامتی داشته باشند و خانواده های شبانان سنگرهای مطمئن و قوی و پشتیبانان روحانی خوبی برای شبانان و خدمتشان باشند .
- خادمین و مشایخ کلیساها یی آنها ، خدمات خود را در قوت و محبت انجام دهند و خانواده هایشان غونه های عالی از خدمت وفادارانه آنها باشند .
- جلسات عبادتی کلیساها یی آنها و گروهای کلیسا یی آنان سرشار از کلام مقتدر خداوند و فیض و برکت حضور عیسی مسیح باشند .

روز بیست و هفتم: دعا برای دیگران

پیدایش ۱۸: ۱۷ - ۳۳ و ۱۹: ۱ - ۲۹ که در زیر آمده است را بخوانید:

۳۳-۱۷: پیدایش ۱۸

۲۶ خداوند گفت: «اگر پنجاه عادل در شهر سدهم یابم، هر آینه تمام آن مکان را به خاطر ایشان رهایی دهم.»^{۲۷} ابراهیم در جواب گفت: «اینک من که خاک و خاکستر هستم، جرأت کردم که به خداوند سخن گویم.»^{۲۸} شاید از آن پنجاه عادل، پنج کم باشد. آیا تمام شهر را بسبب پنج، هلاک خواهی کرد؟» گفت: «اگر چهل و پنج در آنجا یابم، آن را هلاک نکنم.»^{۲۹} بار دیگر بدوعرض کرده، گفت: «هرگاه در آنجا چهل یافت شوند؟» گفت: «به خاطر چهل آن را نکنم.»^{۳۰} گفت: «زنهر غصب خداوند افروخته نشود تا سخن گویم. شاید در آنجا سی پیدا شوند؟» گفت: «اگر در آنجا سی یابم، این کار را نخواهم کرد.»^{۳۱} گفت: «اینک جرأت کردم که به خداوند عرض کنم. اگر بیست در آنجا یافت شوند؟» گفت: «به خاطر بیست آن را هلاک نکنم.»^{۳۲} گفت: «خشم خداوند، افروخته نشود تا این دفعه را فقط عرض کنم، شاید ده در آنجا یافت شوند؟» گفت: «به خاطر ده آن را هلاک نخواهم ساخت.»^{۳۳} پس خداوند چون گفتگو را با ابراهیم به اتمام رسانید، برفت و ابراهیم به مکان خویش مراجعت کرد.

۱۷ و خداوند گفت: «آیا آنچه من می کنم، از ابراهیم مخفی دارم،^{۱۸} و حال آنکه از ابراهیم هر آینه امتنی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد، و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت.^{۱۹} زیرا او را می شناسم که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طریق خداوند را حفظ نمایند، و عدالت و انصاف را بجا آورند، تا خداوند آنچه به ابراهیم گفته است، به وی برساند.»^{۲۰} پس خداوند گفت: «چون که فریاد سدهم و عمره زیاد شده است، و خطایای ایشان بسیار گران،^{۲۱} اکنون نازل می شوم تا بینم موافق این فریادی که به من رسیده، بالتمام کرده اند. والا خواهم دانست.»^{۲۲} نگاه آن مردان از آنجا بسوی سدهم متوجه شده، بر قتند. و ابراهیم در حضور خداوند هنوز ایستاده بود.^{۲۳} و ابراهیم نزدیک آمده، گفت: «آیا عادل را با شریر هلاک خواهی کرد؟»^{۲۴} شاید در شهر پنجاه عادل باشند، آیا آن را هلاک خواهی کرد و آن مکان را بخاطر آن پنجاه عادل که در آن باشند، نجات نخواهی داد؟^{۲۵} حاشا از تو که مثل این کار بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی و عادل و شریر مساوی باشند. حاشا از تو! آیا داور تمام جهان، انصاف نخواهد کرد؟»

۲۹-۱۹: پیدایش

گفت: «ای برادران من، زنهر بدی مکنید.^۸ اینک من دو دختر دارم که مرد را نشناخته اند. ایشان را الان نزد شما بیرون آورم و آنچه در نظر شما پسند آید، با ایشان بکنید. لکن کاری بدین دو مرد ندارید، زیرا که برای همین زیر سایه سقف من آمده اند.»^۹ گفتند: «دور شو.» و گفتند: «این یکی آمد تا نزیل ما شود و پیوسته داوری می کند. الان با تو از ایشان بدتر کنیم.» پس بر آن مرد، یعنی لوط، بشدت هجوم آورده، نزدیک آمدند تا در را بشکنند.^{۱۰} آنگاه آن دو مرد، دست خود را پیش آورده، لوط را نزد خود به خانه درآورده و در را بستند.^{۱۱} اما آن اشخاصی را که به در خانه بودند، از خرد و بزرگ، به کوری مبتلا کردند، که از جُستن در، خویشتن را خسته ساختند.^{۱۲} و آن دو مرد به لوط هستند؟ آنها را نزد ما بیرون آور تا ایشان را بشناسیم.»^{۱۳} نگاه لوط نزد ایشان، بدرگاه بیرون آمد و در را از عقب خود ببست^۷ و

۱ وقت عصر، آن دو فرشته وارد سدهم شدند، و لوط به دروازه سدهم نشسته بود. و چون لوط ایشان را بدید، به استقبال ایشان برخاسته، رو بر زمین نهاد^۲ و گفت: «اینک اکنون ای آقایان من، به خانه بنده خود بباید، و شب را بسر برید، و پایهای خود را بشویید و بامدادان برخاسته، راه خود را پیش گیرید.» گفتند: «نی بلکه شب را در کوچه بسر بریم.»^۳ اما چون ایشان را الحاح بسیار نمود، با او آمده، به خانه اش داخل شدند، و برای ایشان ضیافتی نمود و نان فطیر پخت، پس تناول کردند.^۴ و به خواب هنوز نرفته بودند که مردان شهر، یعنی مردم سدهم، از جوان و پیر، تمام قوم از هر جانب، خانه وی را احاطه کردند^۵ و به لوط ندا در داده، گفتند: «آن دو مرد که امشب به نزد تو درآمدند، کجا هستند؟ آنها را نزد ما بیرون آور تا ایشان را بشناسیم.»^۶ نگاه لوط نزد ایشان، بدرگاه بیرون آمد و در را از عقب خود ببست^۷ و

شهر نزدیک است تا بدان فرار کنم ، و نیز صغیر است . اذن بده تا بدان فرار کنم . آیا صغیر نیست ، تا جانم زنده ماند .»^{۲۱} بدو گفت : « اینک در این امر نیز تو را اجابت فرمودم ، تا شهری را که سفارش آن را نمودی ، واژگون نسازم .»^{۲۲} بدان جا بزوی فرار کن ، زیرا که تا تو بدانجا نرسی ، هیچ نمی توانم کرد . » از این سبب آن شهر مسمی به صوغر شد.^{۲۳} و چون آفتاب بر زمین طلوع کرد ، لوط به صوغر داخل شد .^{۲۴} آنگاه خداوند بر سده و عموره ، گوگرد و آتش ، از حضور خداوند از آسمان بارانید .^{۲۵} و آن شهرها ، و تمام وادی ، و جمیع سکنه شهرها و نباتات زمین را واژگون ساخت .^{۲۶} اما زن او ، از عقب خود نگریسته ، تونی از نمک گردید .^{۲۷} بامدادان ، ابراهیم برخاست و به سوی آن مکانی که در آن به حضور خداوند ایستاده بود ، رفت .^{۲۸} و چون به سوی سده و عموره ، و تمام زمین وادی نظر انداخت ، دید که اینک دود آن زمین ، چون دود کوره بالا می رود .^{۲۹} و هنگامی که خدا شهرهای وادی را هلاک کرد ، خدا ابراهیم را به یاد آورد ، و لوط را از آن انقلاب بیرون آورد ، چون آن شهرهایی را که لوط در آنها ساکن بود ، واژگون ساخت .

که ما این مکان را هلاک خواهیم ساخت ، چونکه فریاد شدید ایشان به حضور خداوند رسیده و خداوند ما را فرستاده است تا آن را هلاک کنیم .»^{۳۰} پس لوط بیرون رفته ، با دامادان خود که دختران او را گرفتند ، مکالمه کرده ، گفت : « برخیزید و از این مکان بیرون شوید ، زیرا خداوند این شهر را هلاک می کند . » اما بنظر دامادان مسخره آمد .^{۳۱} و هنگام طلوع فجر ، آن دو فرشته ، لوط راشتابانیده ، گفتند : « برخیز و زن خود را با این دو دختر که حاضرند بردار ، مبادا در گناه شهر هلاک شوی .»^{۳۲} و چون تأخیر می نمود ، آن مردان ، دست او و دست زنش و دست هر دو دخترش را گرفتند ، چونکه خداوند بروی شفقت نمود و او را بیرون آورده ، در خارج شهر گذاشتند .^{۳۳} و واقع شد چون ایشان را بیرون آورده بودند که یکی به وی گفت : « جان خود را دریاب و از عقب منگر ، و در تمام وادی مایست ، بلکه به کوه بگریز ، مبادا هلاک شوی .»^{۳۴} لوط بدیشان گفت : « ای آقا چنین مباد ! همانا بنده ات در نظرت التفات یافته است و احسانی عظیم به من کردی که جانم را رستگار ساختی ، و من قدرت آن ندارم که به کوه فرار کنم ، مبادا این بلا مرا فرو گیرد و بمیرم .»^{۳۵} اینک این در آنها ساکن بود ، واژگون ساخت .

هنگامی که برای دیگران دعا می کنیم ، می باید مطمئن باشیم که خداوند دعای ما را می شنود . یکی از بهترین نمونه های کتاب مقدس برای این موضوع ، پاسخ خداوند به دعای ابراهیم است : ابراهیم در محبت و فروتنی به فکر پسر برادر خود ، لوط بود و در هنگامی که خداوند او را از فاجعه ای که به زودی بر سر شهرهای سده و عموره می آمد ، اطلاع داد ؛ وی به هیچ عنوان نسبت به این مسئله بی تفاوت نمایند . او به یاد آورد که لوط در آن ناحیه مسکن گزیده است و از این رو شروع به شفاعت درباره عادلانی می کند که در آن شهر موجودند . متأسفانه عادلی به جز لوط در آن شهر نبود ، ولی خداوند دعای ابراهیم را شنید و به آن پاسخ داد . کتاب مقدس به ما می گوید که هنگامی که خدا شهرهای وادی را هلاک کرد ، خدا ابراهیم را به یاد آورد و لوط را از آن انقلاب بیرون کشید .

خداوند به دعاهای ما در مورد دیگران احترام می گذارد و در راهها و تفکرات عجیب خود به آنها جواب می دهد . فیض و رحمت خداوند از این هم فراتر می رود . در هنگامی که لوط را از آن مهلکه می رهاند ، به دعای لوط نیز پاسخ می دهد . او همیشه ملاحظه مارا می کند . زمانی که فرشته خدا به لوط می گوید که به کوه بگریزد مبادا هلاک شود ، لوط به فرشته خدا می گوید از آنجا که قدرتی ندارد تا به کوه فرار کند ، به شهر صوغر وارد شود و خداوند این شهر را هلاک نسازد . خداوند در اینجا هم دعای لوط را پاسخ می دهد و به او می گوید : « اینک درین امر نیز تو را اجابت فرمودم تا شهری را که سفارش آن را نمودی واژگون نسازم ، به زودی فرار کن ! زیرا که تا تو بدانجا نرسی ، هیچ نمی توانم کرد . » خداوند برای نجات ما انسانها ، حاضر است در چهار چوب عهدی وارد شود که شاید او را محدود سازد ، ولی این محبت اوست که چنین می طلبد . او حاضر است به دعاهای ما پاسخ دهد ، ولو اینکه مقداری از قدرت مطلق خویش را هم بخاطر ما اندک مدتی محدود سازد .

شخصی نجات می یابد ، شهری نجات می یابد ، تنها بخاطر اینکه عادلی نظیر ابراهیم تنهای برای یک نفر شفاعت می کند .

« در آن روز به اسم من طلب خواهید کرد و نمی گویم که من به جهت شما از پدر سؤال می کنم ، زیرا خود پدر شما را

دوست دارد . » (انجیل یوحنا ۱۶ : ۲۶ و ۲۷)

موضوع دعا :

- برای دیگران در دعا بیدار باشیم : برای زندگی هایشان ، ایمانشان ، احتیاجاتشان ،

روز بیست و هشتم: دعا برای خادمین خداوند

پولس رسول در رساله اول خود به تസالونیکیان می فرماید :

« ای برادران به شما التماس داریم که بشناسید آنانی را که در میان شما زحمت می کشند و پیشوایان شما در خداوند بوده ، شما را نصیحت می کنند و ایشان را در نهایت محبت به سبب عملشان محترم دارید و با یکدیگر صلح کنید . »
(۱۳ : ۵)

امروز برای خادمین خداوند که آنها را می شناسم ، دعا کنیم و این موارد را در دعا برای ایشان بطلبیم :

الف) از کمال معرفت اراده خدا در هر حکمت و فهم روحانی پر شوند تا به طریق شایسته خداوند به کمال رضامندی رفتار نمایند و در هر عمل نیکو بار آورند و به معرفت کامل خداوند نمو کنند .

ب) به اندازه توانایی جلال او به قوت تمام زورآور شوند تا صبر کامل و تمحل را با شادمانی داشته باشند .

پ) محبت ایشان در معرفت و کمال فهم بسیار افزونتر شود تا چیزهای بهتر را برگزینند و در روز مسیح بی غش و بی لغزش باشند و پر شوند از میوه عدالت که به وسیله عیسی مسیح برای تمجید و حمد خداست .